

ضرورت مدیریت بحران های هویتی در فضاهای شهری

دکتر محمد نقی زاده*، دکتر شیرین طغیانی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۶/۲۵

چکیده

مدیریت بحران مقوله ای نوپدید در زمینه مقابله با پیامدهای حوادث غیرمترقبه و بحران های ناشی از آنها است. مطالعات نشان می دهد تا کنون مدیریت بحران صرفاً به مشکلات کمی و مادی ناشی از سیل، زلزله و جنگ پرداخته و مشکلات کیفی و به ویژه بحران های معنوی مورد غفلت واقع شده است. یکی از این بحران های معنوی که سرچشمه بسیاری از بحران های دیگر به حساب می آید، بحران هویت است. در این نوشتار با توجه به اهمیت موضوع هویت در زندگی انسان و رابطه دو سویه بین هویت انسان و آثار وی از یک سو و اهمیت شهرها و فضاهای شهری به عنوان یکی از دستاوردهای انسانی که نمادی از فرهنگ و تمدن جوامع هستند از دیگر سو و اهمیت هویت و بحران هویت در فضاهای شهری ضرورت مدیریت بحران های هویتی در این فضاها تبیین گردیده است.

واژه های کلیدی:

هویت مکان- بحران هویت مکان- فضای شهری- مدیریت بحران های هویتی

* استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. (مسئول مکاتبات) Email: Dr_mnaghizadeh@yahoo.com

** دانش آموخته دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. Email: sh_toghiani@yahoo.com

این مقاله بر گرفته از رساله دکتری شهرسازی شیرین طغیانی با عنوان "مبانی مدیریت بحرانهای معنوی در فضاهای شهری نمونه موردی مدیریت بحران هویت" به راهنمایی دکتر نقی زاده و مشاوره دکتر حبیب در دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی می باشد.

مقدمه

تغییر و تحولات بطنی جوامع در گذشته و رویدادهای محدود آن‌ها باعث شده بود تا انسان‌ها و جوامع انسانی واجد هویت نسبتاً مشخص و تعریف شده‌ای باشند که کمتر با تغییرات ناگهانی مواجه می‌شد و بنابراین طی زمان، هویت جوامع، تکامل یا تغییراتی تدریجی داشت. ولی شرایط حاکم بر جهان امروز و تحولات صورت گرفته در عرصه‌های مختلف علوم و فن آوری به ویژه جریان فن آوری اطلاعات و اهمیت و حضور آن در زندگی انسان معاصر و مسائلی چون جهانی شدن و جهانی سازی، مساله هویت را به یکی از بزرگترین دغدغه‌های انسان معاصر تبدیل نموده و به همین ترتیب بحران هویت نیز به یکی از مهمترین چالش‌های انسان دنیای مدرن تبدیل شده است. این مسئله از یک طرف عده‌ای را به چالش کشانیده و از طرف دیگر بستری جهت به چالش کشاندن عده‌ای در جهت منافع عده‌ای دیگر شده است. لذا جامعه‌ای می‌تواند در این جریان خود را اثبات نماید که بتواند هویت ممتاز و یگانه‌ای را به منصف ظهور برساند. در غیر این صورت چاره‌ای جز تسلیم در برابر حوادث مذکور نخواهد داشت.

اما از آنجایی که از یک سو انسان‌ها همواره در صدد تولید و خلق آثاری متناسب به ارزش‌ها، باورها و آرمان‌های خود هستند و از سوی دیگر شهرها یکی از مهمترین آثار تمدن بشری و جلوه‌گاه ارزش‌های مربوط به او می‌باشند، همواره بین هویت و بحران هویت ساکنان شهرها و کالبد شهرها و فضا‌های آنها رابطه‌ای دوسویه وجود دارد. به طوری که هم هویت و بحران هویت انسان‌ها بر فضاهای شهری مؤثر است و هم هویت و بحران هویت شهرها و فضاهای آنها می‌تواند بر ساکنان آن شهرها تاثیر داشته باشد. اما علی‌رغم اهمیت موضوع هویت و بحران هویت شهرها و تایید و تاکید اکثر صاحب‌نظران مسائل شهری بر این موضوعات، تا کنون به طور جدی به آن پرداخته نشده است. در حالی که اهمیت موضوع طلب می‌نماید که هویت و بحران هویت شهرها مورد توجه مدیریت شهری واقع گردد؛ زیرا یکی از ارکان مدیریت شهری فراهم آوردن زمینه و فضای مناسب زیست انسان به گونه‌ای است که همه جنبه‌ها و نیازهای معنوی و روحی-روانی و فیزیولوژیکی انسان به نحو مطلوب و هماهنگ پاسخ داده شوند، و از آنجایی که هویت مهمترین عامل تعادل روحی-روانی انسانها و جوامع انسانی به شمار می‌رود این مسئله اهمیت موضوع را بیشتر می‌نماید. در اینجا است که پرداختن به بحث هویت و بحران هویت شهرها در غالب مدیریتی واحد تحت عنوان مدیریت بحران هویت شهرها و فضاهای آنها ضرورت می‌یابد.

روش تحقیق

از آنجایی که مقاله حاضر تلاش می‌کند تا به کیفیت فضاهای شهری از زاویه هویت و بحران هویت پرداخته و بستری مناسب جهت تبیین ضرورت مدیریت بحران‌های هویتی در فضاهای شهری فراهم نماید لذا روش تحقیق مقاله کیفی و توصیفی-تحلیلی است. به طوری که در بررسی موضوع هویت و مفاهیم مرتبط که تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در بخش شناخت و مبانی نظری پژوهش با استفاده از روش‌های تحلیلی اکتشافی-استقرایی بستر ارائه جمع‌بندی نهائی مبتنی بر تبیین ضرورت مدیریت بحران‌های هویتی در فضاهای شهری با استفاده از روش تحلیلی فراهم شده است.

مروری بر مفاهیم هویت و بحران هویت مکان

از آنجایی که مفاهیم هویت مکان و بحران هویت آن از مفاهیم اولیه موضوع مقاله می‌باشند در این قسمت مروری هر چند کوتاه بر تعاریف آنها خواهد شد.

هویت مکان

آنچه که قابل ذکر است هویت مکان مسئله‌ای کاملاً اثبات شده است که تقریباً همه صاحب‌نظران نسبت به اهمیت آن در زندگی بشر از گذشته تا کنون واقف بوده‌اند، اما ممکن است که نوع نگرش آنها متفاوت باشد که در اینجا نگاهی گذرا بر نظریات ارائه شده در این زمینه خواهد شد.

در بعضی از تعابیر، هویت مکان به عنوان معنای مکان تلقی می‌شود. به طوری که «لینچ» هویت مکان را چنین معرفی می‌کند: «هویت محل به ساده‌ترین جمله یعنی «معنی یک محل». هویت یک مکان یعنی حدی که یک شخص می‌تواند مکانی را از سایر مکان‌ها بشناسد یا بازشناسایی کند به طوری که آن مکان شخصیتی مشخص و بی‌نظیر و یا حداقل مخصوص به خود دارا باشد.» (لینچ، ۱۳۷۶، ۱۶۸) لینچ علاوه بر مشخصات کالبدی، فرهنگ کسی که فضا را تجربه می‌کند را در هویت آن مکان مؤثر می‌داند. (لینچ، ۱۳۷۶، ۱۶۷) اما در بعضی از تعاریف از انطباق تصویر ذهنی از یک مکان با عینیت آن مکان به هویت تعبیر می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۳، ۶۵) بعضی نیز هویت مکان را بخشی از هویت شخصی انسان دانسته و تجربه مستقیم محیط را در هویت مکان مؤثر می‌دانند که در این زمینه می‌توان به این تعابیر اشاره نمود. از آن جایی که: «رابطه میان انسان و مکان دوطرفه است، زیرا کنش و خواست انسانی معنی را به فضا مترتب می‌سازد و فضای خالی را به

یک مکان تجربه شده تبدیل می کند. و به همین ترتیب مکان می تواند بر انسان تأثیر متقابل گذارد، چرا که به واسطه معنایش به ارزش ها و کنش های انسان جهت می دهد» (Walmsley, 1990, 64) و به همین خاطر هویت مکان بخشی از هویت شخصی است. هویت مکان در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می یابد. بنابراین بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است. در عین حال در غنای شخصیت فردی نقش محوری دارد. (Walmsley, 1990, 59)

در تعریف دیگری، هویت مکان فراتر از بخشی از هویت انسان بلکه خود هویت انسان معرفی شده که از آن به این همانی با فضا تعبیر می شود (رضازاده، ۱۳۸۰: ۵). که البته بعضی این همانی را نتیجه انطباق میان عینیت و تصویر ذهنی آن و یا ارتباط مداوم با فضا و مکان را موجب این همانی می دانند. (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۰۳). در همین رابطه نوربرگ شولتز معتقد است که «رابطه میان انسان و مکان چیزی فراتر از جهت یابی در محیط اطراف - آن چنان که لینچ معتقد است - می باشد. بلکه انسان با فرآیندی بسیار عمیق تحت عنوان این همانی با مکان ارتباط برقرار می کند.» (Able, 2000, 142) شولتز همچنین معتقد است که «مکان ها لزوماً چیزهایی هستند که باید باشند و دخل و تصرف انسانی در آنها زمانی به خلق فضاهای قابل زندگی منجر می شود که حال و هوای حاکم بر فضا را تشخیص دهد و در راستای آن حرکت کند.» (Walmsley, 1990, 68)

در تعریف دیگری هویت مکان نتیجه روابط اجتماعی بدون ثبات و چندگانه جاری در مکان در طول زمان می باشد. (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۳۶-۳۳) اما در بیانی دیگر رابطه عمیق بین انسان و مکان منبع هویت معرفی می شود به طوری که به نظر گابریل مارسل: «یک فرد جدای از مکان خود نیست او همان مکان است». (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۲) بعضی نیز رابطه بین انسان و عمل از یک طرف و زمان و مکان از طرف دیگر را عامل هویت مکان می دانند به طوری که «واگنر معتقد است که زمان و مکان انسان و عمل، هویت غیرقابل تفکیکی را می سازند، بنابراین معنا و عمل عناصری در هم تنیده اند که در فهم هویت مکان باید در نظر گرفت. در مجموع هویت مکان به نحوی به عناصر سه گانه محیط فیزیکی (فرم، فعالیت (عملکرد) و معنا برمی گردد)». (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۲) به طور کلی می توان گفت هویت مکان اگرچه شامل مشخصات و ویژگی هایی از یک محیط می باشد که نمود بیرونی دارند اما درک آن از طریق تجربه آن مکان حاصل می گردد و تجربه آن توسط فرد می تواند در شخصیت فردی و حتی شخصیت اجتماعی یک جمع تأثیرگذار باشد؛ و حتی فراتر از تأثیر، نقش بنیادی داشته باشد. آنچه که از تعاریف هویت مکان به دست می آید این است که اولاً هویت مکان تنها در رابطه با

انسان قابل بررسی است یعنی وقتی مشخصه های خاص یک محیط توسط انسان درک می گردد می توان از واژه هویت مکان استفاده نمود در غیر این صورت هویت مکان معنای چندانی ندارد و از آنجائی که فرم، عملکرد و معنا از عناصر اصلی مکان هستند لذا هویت مکان نیز در ارتباط با این عوامل قابل بررسی و بازشناسی می باشد که البته باید توسط انسان به عنوان معیار اصلی این سنجش درک و بیان شود. ثانیاً عامل دیگری نیز وجود دارد که آن ویژگی «زمان» می باشد و این عامل نشان دهنده پویایی بحث هویت به طور عام و هویت مکان به طور خاص است و بسیار تعیین کننده به حساب می آید. لذا اگر مکان تلاقی فرم، عملکرد و معنا باشد، هویت مکان محل تلاقی فرم، عملکرد، معنا و زمان در ارتباط با انسان است.

بحران هویت مکان

بحران هویت که گاهی به اشتباه به «بی هویتی» تعبیر می گردد، یکی از مهمترین بحران ها و چالش هایی است که انسان در دوره معاصر با آن روبرو شده است و این بحران چیزی جز نتیجه غفلت انسان از بعد معنوی حیات خود، نمی باشد. اما از آن جائی که این بحران هویت، انسان و تمام دستاوردهای او را شامل می شود، مسلماً شهر، فضاهای شهری به طور عام و مکان به طور خاص نیز از این بحران مستثنی نخواهد بود؛ و در همین رابطه اصطلاحاتی تحت عنوان «بحران هویت شهری»، «بحران هویت در فضاهای شهری» و «بحران هویت مکان» خود نمایی می کند. حال با توجه به رویکرد مقاله که تفاوت چندانی بین فضا و مکان قائل نیست و با توجه به سیر مطالعات، در این قسمت به بررسی بحران هویت مکان و تعاریف آن پرداخته خواهد شد.

همان طور که قبلاً نیز بیان شد در بعضی از تعابیر، هویت مکان به عنوان معنای مکان می باشد. (لینچ، ۱۳۷۶: ۶۸) بنابراین وقتی مکان معنای خاصی نداشته باشد به طوری که آن مکان از سایر مکان ها قابل بازشناسی نباشد و شخصیتی مشخص و منحصر به فرد نداشته باشد، بحران هویت مکان اتفاق می افتد. از طرفی هویت مکان بخشی از هویت شخصی انسان محسوب می شود. (رضازاده، ۱۳۸۵: ۵) پس اگر بین هویت مکان و هویت شخصی فرد تقابل ایجاد گردد و به عبارتی وقتی بین فرد و مکان رابطه ای دو طرفه برقرار نشود و مکان بر انسان تأثیر نگذارد؛ و در واقع، نتواند به واسطه معنایش، ارزش ها و کنش های انسان را سمت و سو دهد، در این صورت بین هویت مکان و هویت انسان تقابل ایجاد شده و از آن به بحران هویت مکان تلقی می شود. یا اگر به جای اینکه «این همانی با فضا» که نتیجه انطباق میان عینیت و تصویر ذهنی آن و یا ارتباط مداوم با فضا و مکان است، اتفاق بیفتد

اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر مکانی که هویتش با هویت آرمانی اهلس سازگار نباشد به طوری که شاخصه‌های کالبدی، عملکردی و معنایی آن برای اهلس و حتی برای دیگران که از بیرون نظاره‌گر آن هستند، حامل پیام و معنایی متناسب با آنچه که از آن مکان و ساکنان آن انتظار می‌رود، نباشد از بحران هویت مکان رنج می‌برد.

رابطه بین هویت انسان و هویت مکان

هویت همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر در طول تاریخ بوده است، ولی در هیچ عصری مانند دوره معاصر به دلایل شرایط خاص حاکم بر جهان، اهمیت آن اینگونه مورد توجه واقع نشده است. انسان وقتی هویت خود را می‌شناسد به واسطه آن به تبیین ارتباط خود با جهان هستی می‌پردازد و در همین رابطه برای اینکه بتواند هویت خود را به دیگران معرفی کند چاره‌ای جز بروز آن در محیط اطراف خود ندارد. مطالعات نشان می‌دهد که ادراک هویت توسط انسان، اصلی‌ترین بخش هویت است؛ به عبارتی بدون ادراک هویت، هویتی شکل نمی‌گیرد و لذا برای ادراک آن، باید هویت از امری انتزاعی خارج و به امری واقعی تبدیل شود؛ و در واقع، باید نمود خارجی پیدا کند. بنابراین هویت انسان به واسطه اعمال، رفتار و آثار انسانی او قابل درک است. بخش اعمال و رفتار و اندیشه‌ها متمرکز بر هویت انسانی انسان و بخش آثار انسانی متوجه هویت ایجاد شده در آثار او می‌باشد.

(به طور کلی) انسان‌ها (همواره) علاقمندند که آنچه را تولید و خلق می‌کنند بر اساس و منطبق بر باورهایشان باشد به نحوی که آثارشان مظهر اعتقادشان بوده و آنان را در جهت وصول به آرمان‌هایشان باری کنند. در واقع انسانها مظهر خویش و تداوم نام و زندگی خود را در آثارشان جستجو می‌کنند و به همین دلیل است که هویت آثار انسانی باید با هویت و بارزه‌های هویتی کسی که خالقشان بوده است، تناسب و هماهنگی داشته باشد که البته این تناسب و هماهنگی وجود دارد. با عنایت به نقش تعیین‌کننده هویت انسان در تعریف هویت آثار انسانی و رابطه تنگاتنگی که هویت انسان با هویت آثارش دارد، طبیعی است که بارزه‌های هویتی‌ای که توسط جهان بینی و فرهنگ و تفکری برای انسان تعریف می‌شود، باید در کالبد و آثار او نیز پدیدار بوده و در واقع مقوم و مبین هویت جامعه شوند. (اما همان‌گونه که جهان بینی و فرهنگ جوامع بر آثارشان اثر گذاشته و هویت آثارشان، متناسب با هویت جامعه (به ویژه هویت فرهنگی و فکری او) شکل می‌گیرند، هویت آثار نیز بر فکر و فرهنگ و رفتار جامعه اثر می‌گذارند. (نقی زاده، ۱۳۸۶، ۳۲۸) اما در بین آثار انسانی هیچکدام به اندازه شهرها و فضاهای آنها در طول تاریخ نماد پیشرفت و تمدن بشری، کمال و یا انحطاط او نبوده و نیستند و لذا هویت شهرها نشان‌دهنده هویت جوامع و تمدن‌هایی است

و ما درک درستی از معنای نمادین، فرهنگی، اجتماعی فضا نداشته و با آن احساس راحتی نکنیم و در واقع «ناهمخوانی فضا با انسان» به جای «این همانی» اتفاق بیفتد که این امر تداوم ارتباط یا ضعف ارتباط فضا با انسان را فراهم می‌آورد و بین فرد و فضای ناهمخوان عامل هویتی پیدا نمی‌شود، در صورت تداوم عدم ارتباط مابین فرد و فضا با حادثه‌ای به نام «بحران هویت» مواجه می‌شویم. (پاکزاد، ۱۳۷۵، ۱۰۴)

یا در تعریفی دیگر که هویت مکان با تحولات مداوم در طول تاریخ، پیوسته تعریف و بازتعریف می‌شود (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۳۶) نگاهی نوستالژیک به پدیده هویت به طور عام و هویت مکان به طور خاص باعث می‌شود که ایستایی و عدم تحرک به جای پویایی شرط اصلی هویت گردد که این نیز خود از دلایل بحران هویت مکان است. (قاسمی، ۱۳۸۳، ۶۶)

بعضی نیز در رابطه با بحران هویت مکان از پدیده‌های بی‌مکان یا لامکان نام برده‌اند. مفهوم بی‌مکانی از دهه ۱۹۷۰ و با آثار «رلف» وارد متون حرفه‌ای گردید. بی‌مکان به کیفیت یکسان مکان‌ها اشاره دارد. مکان‌هایی که مواجهه با هر یک از آنها به معنی مواجهه با همه آنهاست و تفاوتی میان اینها و آن‌جا وجود ندارد. اما این یکسانی و یکنواختی منظر و مکان، خود به تنهایی مسئله نیست، «رلف» بر اساس نظریات «هایدگر» چنین عنوان می‌کند: از دست رفتن تنوع مکانی در دنیای مدرن حاصل از دست رفتن معانی و مفاهیم بزرگتری است که تنوع مکانی بر آنها اشارت داشته است. برخی نیز به صورت افراطی تر مفهوم لامکان را مطرح کرده‌اند که به فضاهایی فاقد هرگونه ارزش مکانی مانند فرودگاه‌ها، ترمینال‌ها، مراکز خرید و ... اشاره دارد و به عبارتی بر این امر تأکید دارد که امروز دیگر مفهوم مکان در برخی از فضاهای میان‌رفته است. هنگامی که تنوع مکان‌ها از میان برود، حس بی‌مکان و لامکانی شکل می‌گیرد و این بزرگترین تهدید در ایجاد حس تعلق مکان است (رضازاده، ۱۳۸۵، ۲۳۸) و این پدیده‌ها یعنی بی‌مکانی و لامکانی را باعث ایجاد بحران هویت مکان می‌دانند.

از طرفی با توجه به اینکه بعضی از تعاریف فرم، عملکرد و معنا را عناصر اصلی مکان و دیالکتیک بین آنها را باعث ایجاد هویت مکان می‌دانند (افروغ، ۱۳۷۷، ۵۳)، بنابراین بحران هویت مکان می‌تواند در اثر بحران حداقل در یکی از عوامل و یا رابطه بین آنها ایجاد گردد.

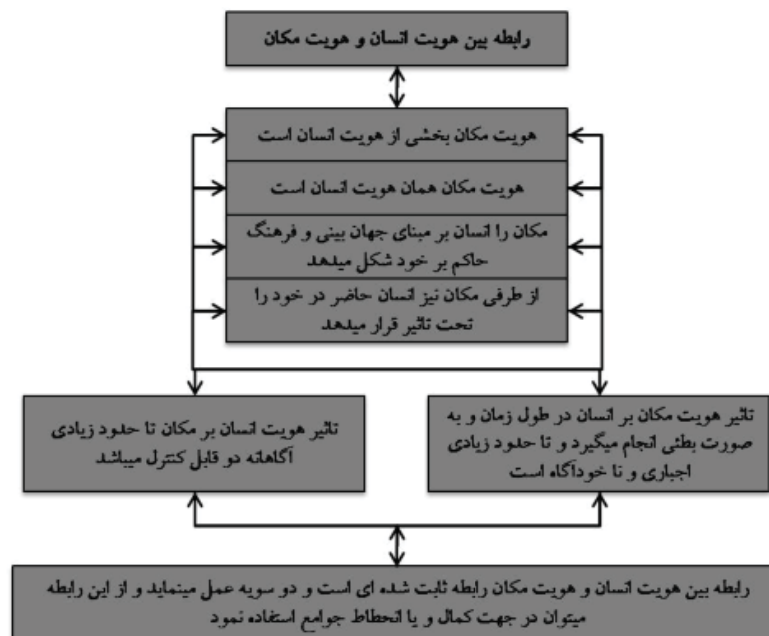
با بررسی تعاریف ارائه شده می‌توان این‌گونه بیان کرد که با توجه به تعریف کلی بحران هویت که از تقابل بین هویت پدیده با هویت مورد انتظار یا هویت مطلوب آن پدیده، به وجود می‌آید. (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۳۶۴) بحران هویت مکان از تقابل بین بحران هویت موجود در مکان با هویت مورد انتظار یا هویت مطلوب آن مکان ایجاد می‌شود که می‌تواند این تقابل هویتی در فرم، عملکرد و معنای آن مکان حاصل شده و در نتیجه فضا با انسان ناهمخوانی داشته باشد، بحران هویت مکان

و عملی خود و جامعه خود آن را شکل می دهد. لذا هویت آن انسان، خود را در آن مکان متجلی می کند. این ابعاد هویتی انسانی می تواند در فرم، عملکرد و معنای آن مکان بروز نماید و با گذشت زمان ابعاد هویتی مکان نیز کاملاً انسان هایی را که در آن مکان قرار گرفته اند تحت تأثیر قرار می دهد و هویت آنها را سمت و سو می دهد. نکته قابل توجه اینکه شاید تجلی و تأثیر هویت انسان در مکان سریعتر از تأثیر هویت مکان بر انسان باشد اما به نظر می رسد که اهمیت تأثیر هویت مکان بر انسان بیشتر باشد؛ زیرا اولاً معمولاً تأثیر هویت انسان در هویت مکان یا هر یک از آثار انسانی تا حدودی آگاهانه و قابل کنترل است ولی تأثیر هویت مکان یا آثار انسانی بر هویت انسان هم در طول زمان و به صورت بطئی تر می باشد و هم از طرفی تا حدودی اجباری و ناخودآگاه صورت می گیرد. حال با توجه به آنچه که بیان گردید می توان گفت که رابطه بین هویت انسان و هویت مکان (نمودار ۱) رابطه ثابت شده ای است و کاملاً دوطرفه عمل نماید و از این رابطه می توان در جهت کمال و یا انحطاط جوامع استفاده نمود.

۱) رابطه بین بمران هویت انسان و بمران هویت مکان

همان طور که قبلاً نیز اشاره گردید: هویت یکی از مسائل مهم در دنیای معاصر است. شاید دلیل این مسئله این باشد که قدر عافیت

که آنها را به وجود آورده اند. در تأیید این رابطه می توان اشاره نمود که «اصولاً انسان به سبب طبیعت خاص خود برای ادامه حیات نیازمند زنجیره گسترده ای از تعاملات فی مابین خود، محیط، پدیده ها و اشیای اطرافش است، این تعاملات جز از طریق برقراری نوعی ارتباط حسی یا ذهنی بین فرد و موضوع مورد ادراک مقدور نیست و برای بروز نیازمند بستری است که بدان فضا اطلاق می شود» (سید جوادی، ۱۳۸۵، ۱۴۰) و از طرفی مطالعاتی که به صورت تخصصی در رابطه با مکان انجام شده نشان دهنده این است که فضا و مکان از الزامات زندگی بشر در دنیا می باشد و آنقدر رابطه مکان و انسان رابطه ای تنگاتنگ و در عین حال پیچیده است که به نظر بسیاری از صاحب نظران جدا کردن انسان از مکان امکان پذیر نیست؛ به طوری که به «تعبیر مارتین هایدگر مکان جنبه عمیق و پیچیده تجربه انسان از دنیاست» (افروغ، ۱۳۷۷، ۵۱) و همین رابطه ضروری و انکارناپذیر و تنگاتنگ مکان و انسان باعث می شود که هویت مکان و هویت انسان آنقدر تحت تأثیر هم قرار گیرند که هویت مکان بخشی از هویت انسان معرفی گردد. اما رابطه بین هویت انسان و هویت مکان نیز مانند سایر آثار انسانی و هویت آنها رابطه ای کاملاً دو طرفه می باشد؛ چرا که انسانی که مکانی را می سازد و از آن استفاده می کند مسلماً بر مبنای جهان بینی و فرهنگ حاکم بر فضای فکری



نمودار ۱. رابطه بین هویت انسان و هویت مکان. ماخذ: طیفانی، ۱۳۸۸

طرفه وجود دارد بین بحران هویت انسان و بحران هویت آثار او نیز رابطه ای دو طرفه وجود خواهد داشت. یعنی همان طور که انسان دچار بحران هویت آثاری با همین زمینه تولید می کند، این آثار تولید شده نیز در طول زمان می تواند در ایجاد و یا افزایش بحران هویت انسانها مؤثر باشد. لذا بحران هویت مکان نیز قطعاً در رابطه با بحران هویت انسان هم به عنوان خالق و هم به عنوان استفاده کننده از آن خواهد بود و تأثیر این رابطه حتی بیش از سایر آثار انسانی است. از طرفی نکته قابل ذکر این است که حتی در مقایسه بین تأثیر و رابطه بین هویت انسان و هویت مکان، با بحران هویت هر یک از آنها، بحث بحران هویت دارای تأثیری بیشتری خواهد بود، زیرا حرکت انسان ها در جهت تعالی و کمال همواره بسیار سخت تر از حرکت انسان به سوی تباهی و زوال است. در رابطه با اینکه چرا بحران هویت مکان به طور اخص و فضاهای شهری به طور اعم با اهمیت تر از بحران هویت سایر دستاوردهای انسانی است می توان به موارد زیر اشاره کرد:

اولاً: مکان و فضا جزء الزامات زندگی همه ابناء بشر است و هیچکس از این امر مستثنی نمی باشد. در حالی که سایر آثار انسانی ممکن است توسط عده ای خاص مورد استفاده قرار گیرد. ثانیاً فضا و مکان به عنوان دستاوردی است که در طول تاریخ، همواره انسانها با آن روبرو بوده اند و این مسئله ادامه خواهد داشت ولی بسیاری از دستاوردها و آثار انسانی دیگر، شاید دارای مقطع زمانی خاصی باشند و ثالثاً فضا و مکان شهری خود زمینه ای برای بروز بسیاری از دستاوردهای دیگر

کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید. می توان یکی از مهمترین دلایل توجه بشر در دوره معاصر به مباحث هویتی را گرفتار شدن در بحران هویتی دانست که حاصل دوران صنعت، مدرنیسم، عصر ارتباطات و... می باشد. شاید در دوره های قبل که حرکت جوامع، حرکتی بطئی و تدریجی بود، اگر چه مسئله هویت مهم به نظر می آمد اما عموماً هویت این جوامع به راحتی دچار خدشه نمی گردید و اگر هم هویت جوامع دچار تغییر و تحول می گردید عامل این تغییرات کاملاً مشخص و واضح بود. معمولاً اگر جامعه ای توسط جامعه دیگر مورد هجوم و تجاوز واقع می شد، هویت جامعه مورد هجوم دچار مشکل و بحران می گردید که البته گذر زمان این مشکل را حل می نمود. اما در دوره معاصر که اولاً حرکت جوامع و تحولات حادث شده در آنها آنقدر سریع اتفاق می افتد که بحث هویت و اهمیت آن خود را بیش از سابق نشان می دهد و از طرفی در این دوره انسان و جوامع انسانی از سوی مسائلی که خود بانی آنها بوده، مورد هجوم واقع شده است، لذا تشخیص دشمن و نوع هجوم خیلی راحت نمی باشد.

ثانیاً انسان چگونه می تواند با خود که زمینه ساز بسیاری از این تهاجمات است، مبارزه کند و به خاطر همین در هیچ دوره ای انسان ها این گونه از نظر هویت دچار بحران و چالش نگردیده اند. لذا بحران هویت جوامع انسانی امری واقعی و ثابت شده می باشد که البته عوامل زیادی باعث ایجاد آن شده اند؛ که یکی از آنها بحران هویت آثار انسانی است. قطعاً همان طور که بین هویت انسان و هویت آثار او رابطه ای دو



نمودار ۲. رابطه بین بحران هویت انسان و بحران هویت مکان، ماخذ: طغیانی، ۱۳۸۸

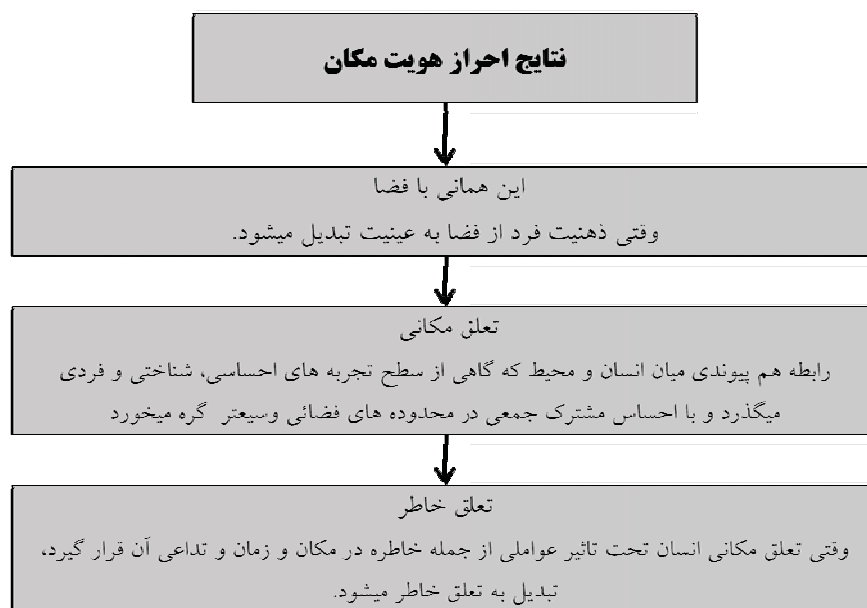
ایجاد نمی گردد مگر اینکه اولاً انسان نسبت به آن فضا دارای آگاهی اولیه باشد و ثانیاً این آگاهی مرتباً تکرار و با زندگی روزمره انسان آمیخته و ممزوج گردد. این همانی با فضا باعث ایجاد نوعی شناخت، آشنایی و تسلط ذهنی بر فضا و این مسئله آسودگی خاطر احساس امنیت و اعتماد به نفس را در استفاده از فضا به دنبال دارد و بنابراین احساس راحتی و خوانایی فضا لازم و ملزوم این همانی با فضا می باشند. (پاکزاد، ۱۳۷۵، ۱۰۴-۱۰۲) «وقتی این همانی دامنه وسیع تری پیدا می کند باعث نوعی الفت یافتن با یک محیط خاص می شود که از آن به تعلق مکانی تعبیر می گردد. در این رابطه «تعلق مکانی» به معنی رابطه هم پیوندی میان انسان و محیط، از دیگر تبعات احراز هویت است که در اثر آن مکان به لنگرگاهی روانی بدل می شود. اغلب این تعلق مکانی از سطح تجربه های احساسی - شناختی فردی می گذرد و با احساس مشترک جمعی در محدوده های فضایی وسیع تر گره می خورد.» (رضا زاده، ۱۳۸۰، ۷۰) حال اگر انسان نسبت به فضایی تعلق مکانی پیدا کند تحت تأثیر عواملی مانند خاطره در مکان و زمان و تداعی این خاطره ها قرار گیرد تعلق مکانی به تعلق خاطر تبدیل و در نتیجه تعلق خاطر نسبت به یک مکان از تبعات دیگر احراز هویت است.

بنابراین می توان گفت که در ایجاد و یا تقویت این همانی با فضا و حتی در سطح بالاتر تعلق مکانی و نهایتاً تعلق خاطر، عوامل و فاکتور هایی از قبیل اطلاعات قبلی از فضا، مداومت در رابطه انسان با فضا، خاطره و تداعی آن خاطره ها مؤثر خواهد بود (قاسمی، ۱۳۸۳، ۸۹) که در این گفتار

بشر به حساب می آیند و لذا بحران هویت حادث شده در آنها علاوه بر تأثیر بر انسان ها بر سایر آثار او نیز اثر خواهد گذاشت و از آن جایی که شهرها و نمادهای آنها نشانه تمدن، فرهنگ و جهان بینی اهلیشان می باشند، هرگونه بحران هویتی چه در فرم، عملکرد و معنای مکانها یا فضاهای شهری نشانه ضعف مدیران، طراحان، برنامه ریزان و استفاده کنندگان آن فضاها به حساب خواهد آمد، لذا بحران هویت مکان دارای تبعات و آثار بسیار زیادی هم بر روی جوامع و در داخل آنها و هم در انعکاس بیرونی آن جوامع خواهد داشت. پس بحران هویت انسان ها کاملاً در ایجاد بحران هویت مکان مؤثر و همچنین بحران هویت مکان در طول زمان باعث تغییر در هویت جوامع خواهد شد و از طرفی نماد ضعف فرهنگی و هویتی جوامع متصف به آن به حساب می آید.

نتایج امرار و عدم امرار هویت مکان

«وقتی میان عینیت و تصویر ذهنی آن انطباق حاصل می شود پدیده هویت مند تلقی می گردد و فرد آن را قسمتی از «من»، «خود» یا «مای» جمع می پندارد. در این حالت ذهنیت فرد از حد خود تجاوز کرده عینیت بخشی از دنیای عینی را تبدیل به ذهنیت خویش می کند. به معنای دیگر آن را بخشی از هویت خود می داند» (پاکزاد، ۱۳۷۵، ۱۰۲) که از این مسئله به این همانی تعبیر می شود که در مورد فضا به آن این همانی با فضا گفته می شود و شاید این همانی با فضا اولین و نخستین پیامد احراز هویت یک فضا باشد. اما این رابطه این همانی



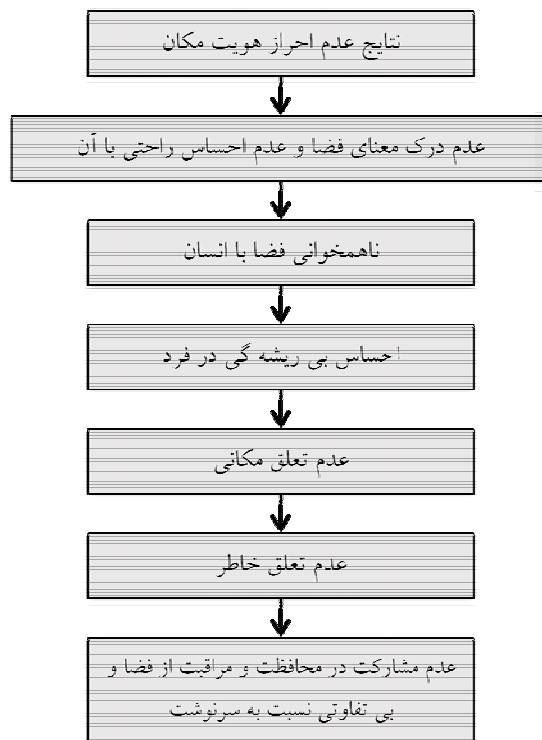
نمودار ۳. نتایج احراز هویت مکان - ماخذ: طیفانی، ۱۳۸۸

مجال پرداختن به آن نمی باشد.

در پایان این نکته قابل ذکر است که فردی که نسبت به فضایی احساس این همانی و سپس تعلق مکانی و نهایتاً تعلق خاطر پیدا کند اولاً در آن فضا احساس آرامش و امنیت می کند؛ و ثانیاً چون آن فضا را بخشی از خود و خود را قسمتی از آن فضا می داند لذا سرنوشت و شرایط آن فضا برای او دارای اهمیت می شود و همین امر مشارکت او را در مراقبت، محافظت و اصلاح شرایط فضا باعث می گردد و همین امر زمینه نوعی همبستگی اجتماعی بین افراد استفاده کننده از آن فضا خواهد بود. و شاید یکی از مهمترین دلایل بی توجهی مردم نسبت به فضاهای شهری در دوره معاصر همین عدم تحقق این همانی با فضا باشد.

اما از طرفی زمانی می توانیم فضایی را شناخته و از آن استفاده کنیم که به معنای نمادین، فرهنگی و اجتماعی آن واقف باشیم، در صورت عدم درک آن معنا، فضا را به درستی نفهمیده و یا در آن احساس راحتی نخواهیم کرد در این صورت از «ناهمخوانی فضا با انسان» سخن به میان می آید. ناهمخوانی فضا با انسان موجبات عدم ارتباط یا ضعف ارتباط آن دو را فراهم می آورد و بین فرد و فضای ناهمخوان عامل هویتی پیدا نمی شود. در صورت تداوم عدم ارتباط مابین فرد و فضا با حادثه ای به نام بحران هویت مواجه می شویم. (پاکزاد، ۱۳۷۵، ۱۰۴)

بنابراین نخستین پیامد عدم احراز هویت یک فضا، ناهمخوانی فضا با انسان می باشد که در صورت تداوم باعث ایجاد نوعی احساس بی ریشگی در فرد می شود که عدم تعلق مکانی و عدم تعلق خاطر نسبت به آن مکان از تبعات بعدی آن محسوب می گردد و این مسئله باعث ایجاد و یا تشدید بحران هویت در فرد استفاده کننده از این فضا می شود که نهایتاً اغتشاش در عملکرد فضا، عدم احساس امنیت در فضا، فرار و حضور اجباری انسان در فضا، عدم مشارکت در محافظت و مراقبت از فضا، بی تفاوتی نسبت به سرنوشت فضا و سایر متعلقات آن از نتایج این عدم احراز هویت است که اکثر فضاهای شهری حاصل تسلط دوران مدرنیسم و صنعت و عصر ارتباطات از این مسئله رنج می برند و اگر امروزه مسائلی از قبیل مشارکت شهروندان، بالا بردن احساس مسئولیت آنها در قبال فضاهای شهری و ... توسط مدیران و مسئولین شهرها مطرح می شود، بدلیل همین عواقب حاصل از عدم احراز هویت در فضاهای شهری است. چرا که سوابق تاریخی در مورد گذشته شهرهای ما نشان دهند نوعی احساس مسئولیت و مشارکت خودجوش در فضاهای شهری گذشته بوده که آثار آن تا کنون نیز قابل مشاهده است و شاید این مسئله به این دلیل است که فضاهای با هویت چون به عنوان بخشی از هویت افراد و جامعه محسوب می گردند لذا



نمودار ۴. نتایج عدم احراز هویت مکان، ماخذ: طغیانی، ۱۳۸۱

آنها خود را در قبال آن فضاها مسئول می دانند در حالی که عدم تعلق خاطر نسبت به فضاهای امروزی باعث می شود که نه فرد آن فضا را بخشی از خود و هویت خود بداند و نه اینکه خود را متعلق به آن فضا احساس کند و لذا احساس بی رغبتی نسبت به فضاهای شهری کنونی کمترین پیامد عدم احراز هویت به حساب می آید.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه که بیان گردید که حاکی از اهمیت هویت و بحران هویت در زندگی انسان و رابطه بین هویت و بحران هویت انسان و هویت و بحران هویت مکان به طور خاص و فضاهای شهری به طور عام و از طرفی با توجه به نتایج حاصل از هویت و بحران آن در فضاهای شهری، به نظر می رسد که مدیریت شهری در این رابطه باید تدابیر ویژه ای را ببیند و شاید چاره ای جز اتخاذ راهبرد و استراتژی مناسب در چهارچوب یک مدیریت واحد برای مقابله با بحران هویت در فضاهای شهری وجود نداشته باشد چیزی که تا کنون از آن غفلت شده و علی رغم همه مباحثی که در این رابطه بیان می شود، کمتر توجهی به مدیریت آن شده است. لذا مدیریت این نوع از بحران ها به دلایل اشاره شده در زیر کاملاً منطقی، معقول و ضروری باشد.

– اهمیت هویت و بحران هویت انسان ها از نظر جهان بینی اسلامی از یک طرف و اهمیت بحث بحران هویت در عصر حاضر به دلیل مباحث جهانی شدن و سیطره بی چون و چرای تکنولوژی و مخصوصاً دنیای مجازی در عصر ارتباطات از سوی دیگر، یکی از دلایل بسیار مهم پرداختن به این مسئله می باشد. در وضعیت کنونی هویت انسان ها کم کم از هویت انسانی آنها فاصله گرفته و به آنها به صورت کمی و به صورت عددی در دایره اعداد ریاضی نگریسته می شود و قطعاً این مسئله سطح کیفی زندگی بشر را بسیار پائین آورده و باز هم باعث تنزل هر چه بیشتر آن خواهد شد و به نظر می رسد که یکی از اصلی ترین وظایف صاحب نظران در این حیطه جلوگیری از این بحران عظیم معنوی در زندگی انسان می باشد.

– چون بحران های هویتی از نوع بحران های معنوی به حساب می آیند بر خلاف بحران های مادی که دفعتاً رخ داده و نتایج حاصله از آنها در یک دوره زمانی خاص خود را نشان می دهند و پس از گذشت آن دوره شاید خیلی از نتایج حاصل از آنها از بین برود، در حالی که بحران های هویتی در یک روند بطئی و تدریجی که شاید دهه ها و سده ها طول بکشد تا نتایج خود را نشان دهد، رشد کرده ولی نتایج آنها نیز به مرور و در مواردی دفعتاً خود را نشان میدهند و به نوعی این بحران ها، آتش زیر خاکستر هستند که وقتی شعله می کشند، می سوزاند و نتایج حاصله از آنها



۳. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۷۵)، "هویت و این همانی با فضا"، صغه، سال ششم، شماره ۲۱-۲۲.
۴. رضازاده، راضیه، (۱۳۸۰)، "بحران ادراکی-رفتاردر فضای شهری"، ماهنامه شهرداریها، سال دوم، شماره ۲۳، ویژه نامه شماره ۵.
۵. رضازاده، راضیه (۱۳۸۵)، "رویکرد روانشناسانه و جامعه شناسانه به هویت مکان در شهرهای جدید"، کتاب هویت شهرهای جدید، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
۶. سید جوادی، فریبرز، (۱۳۸۵)، "فضاهای مطلوب شهری"، کتاب هویت شهرهای جدید، تهران، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
۷. طغیانی، شیرین، (۱۳۸۸)، "مبانی مدیریت بحرانهای معنوی در فضاهای شهری نمونه موردی بحران هویت شهرها"، رساله دکتری شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی.
۸. قاسمی، مروارید، (۱۳۸۳)، "اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافتهای مسکونی)"، تهران انتشارات روزنه.
۹. لیتج، کوین، (۱۳۷۶)، "تئوری شکل خوب شهر"، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. محرمی، توحید، (۱۳۸۳)، "هویت ایرانی اسلامی"، کتاب هویت در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی.
۱۱. مدنی پور، علی، (۱۳۷۹)، "طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیند اجتماعی مکانی)"، ترجمه فرهاد مرتضائی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۲. نقی زاده، محمد، (۱۳۸۵)، "معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)"، اصفهان، انتشارات راهیان.
۱۳. نقی زاده، محمد، (۱۳۸۶)، "ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی"، اصفهان، سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.
14. Abel, Chris. (2000), "Architecture and Identity (responses to cultural and technological changes)", Architectural.
15. Walmsley, D. J. (1990), "urban Living", Longman& Cientific& Technica.

نیز به آسانی و به زودی قابل درمان نمی باشند و همان طور که این بحران ها در یک فرآیند زمانی ایجاد می شوند برای درمان آنها نیز زمان زیادی لازم می باشد.

از آن جایی که تأثیر محیط بر انسان و بالعکس کاملاً اثبات شده است و حتی در بعدی فراتر از تأثیر محیط می توان به رابطه مستقیم هویت محیط بر انسان و بالعکس و همچنین بحران هویت محیط بر انسان و بالعکس اشاره نمود، پرداختن به موضوع بحران هویت در فضاهای شهری و مدیریت آن را الزامی می سازد.

علاوه بر این تأثیرات که ذکر گردید حضور انسان در محیط و فضاهای شهری حضوری انکار ناپذیر و حتی اجباری می باشد و لذا این تأثیرات نیز کاملاً غیر اختیاری بوده و به نظر می رسد که با کنترل و مدیریت شرایط فضاها نوع تأثیر و رابطه بین انسان و فضا باید کنترل گردد.

از طرفی چون شهرها و فضاهای آنها شناسنامه فرهنگی جوامع در طول تاریخ و نشانه تمدن و پیشرفت آنها بوده اند پس به نظر منطقی نمی رسد که این نماد فرهنگی را به حال خود رها کرد تا بدون هیچگونه تدبیر و اندیشه ای رشد کرده و بی اختیار نشان دهنده ضعف و تنزل فرهنگی و بحران هویت ساکنان خود باشد و مسلماً مدیریت این فضاها در ایجاد و بهبود نقش جامعه متصف به آنها در عرصه جهانی کمک شایانی خواهد بود.

فهرست مراجع

۱. احمدی، حمید، (۱۳۸۳)، "هویت و قومیت در ایران"، کتاب هویت در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی.
۲. افروغ، عماد. (۱۳۷۷)، "فضا و نابرابری اجتماعی"، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.